



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## نقش انگیزش در یادگیری دانش آموزان شهرستان راسک

عبدالمجید افتاده<sup>۱</sup>، محدثه ابروفراخ<sup>۲</sup>، مینا شهریاری<sup>۳</sup>، مهدیه رکابدارمقدم<sup>۴</sup>، سیما رکابدار<sup>۵</sup>، عبدالکریم مدرس نیا<sup>۶</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

۳- دانشجوی کردانی آموزش ابتدایی

۴- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

۵- دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی

۶- استاد راهنما،

### چکیده

هدف این تحقیق نقش انگیزش در یادگیری دانش آموزان شهرستان راسک بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان مدارس تیزهوش و عادی شهر راسک بودند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند. برای انجام این تحقیق حاضر تعداد ۱۲۰ دانش آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه انگیزه پیشرفت به‌عنوان ابزار پژوهشی کمک گرفتیم. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها به‌وسیله نرم‌افزار SPSS گروه‌های مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین دانش آموزان تیزهوش و عادی از نظر انگیزه پیشرفت و مؤلفه‌های آن و عملکرد تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر همین اساس نتایج این پژوهش من نشان می‌دهد: در مورد آموزش و تعلیم و تربیت و افزایش عملکرد تحصیلی دانش آموزان لازم است به نقش هوش و انگیزه پیشرفت بالایی داشته باشیم.

واژه‌های کلیدی: دانش آموز، انگیزه پیشرفت، عملکرد تحصیلی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱-مقدمه

یکی از عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت هر جامعه نظام آموزشی و تعلیم و تربیت آن جامعه می‌باشد. لذا از آنجاکه در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توفیق فعالیت‌های علمی و آموزشی محسوب می‌شود، بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روانشناسی برخوردار است. پژوهش‌های صورت گرفته در مورد پیشرفت تحصیلی، عمدتاً بر روی نقش هوش متمرکز بوده است (چو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). یکی از عواملی که تحت تأثیر هوش قرار دارد میزان عملکرد تحصیلی افراد است که هرچه میزان هوش افراد بالاتر باشد به‌نوبه خود عملکرد تحصیلی بهتری را به دنبال خواهد داشت. همچنین بر اساس مطالعات انگیزه پیشرفت که آن را به‌صورت میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص تعریف کرده‌اند در دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان باهوش متوسط در سطح بالاتری قرار می‌گیرد (الفیج و مورب<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

## ۲-بیان مساله

زندگی تحصیلی، یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی اشخاص است که بر سایر ابعاد زندگی تأثیر زیادی دارد. هوش در نظام آموزشی آن‌قدر واجد اهمیت است که متولیان مسائل آموزشی می‌کوشند تا در جذب دانش‌آموزان مستعد گوی سبقت را از یکدیگر بگیرند. دلیل این سبقت علمی نیز این است که بسیاری از تولیدات، اکتشافات و اختراعات علمی به قوت ذهنی دانش‌آموزان آنان وابسته است (پیرخانی و همکاران، ۱۳۸۶). لذا بر اساس مطالعات گوناگون داشتن هوش و تفاوت در زمینه هوش شناختی دانش‌آموزان، منجر به متفاوت بودن بسیاری از ویژگی‌های روانشناختی و پیامدها همچون، انگیزه پیشرفت، عملکرد تحصیلی، موفقیت و پیشرفت تحصیلی و ... می‌شود.

هوش شناختی یکی از مباحث اصلی و مهم روان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. روان‌شناسان زیادی درباره هوش و آزمون‌های آن کار کرده‌اند ولی تاکنون هیچ‌کدام نتوانسته‌اند تعریفی که مورد قبول همه پژوهشگران قرار گیرد، ارائه دهند. خیلی مشکل است که در یک تعریف تمام جنبه‌های هوش را در نظر گرفت زیرا هوش کیفیتی قابل رؤیت و احساس شدنی نیست بلکه یک صفت فرضی و یک مفهوم مجرد است و آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد خود هوش نیست بلکه آثار آن است. به علاوه هوش یک استعداد نیست بلکه مجموعه استعدادهاست و حافظه، دقت، یادگیری و ادراک و غیره در آن اثر دارد (میلانی فر، ۱۳۸۸). با توجه به نقش هوش و تعاریف متعدد و گوناگون آن می‌توان به نقش آن در قابلیت مقایسه و بررسی تفاوت بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی پرداخت.

در این بین یکی از مسائل و مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مساله پایین بودن سطح عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان آن کشور است (زهراکار، ۱۳۸۶). این پدیده، علاوه بر زیان‌های هنگفت اقتصادی، سلامت روانی فراگیرندگان را مخدوش می‌نماید. منظور از افت عملکرد تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی درسی فراگیرنده از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است. در این بین عوامل مختلفی بر عملکرد تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارند که متخصصان تعلیم و تربیت آنها را به چهار دسته شامل عوامل فردی، عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی تقسیم کرده‌اند (زهراکار، ۱۳۸۶). که در بین عوامل فردی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی افراد، هوش و توانایی ذهنی اوست.

متغیر دیگری که تحت تأثیر میزان هوش در افراد قرار می‌گیرد و در ارتباط با میزان هوش است، انگیزه پیشرفت است که پیامد بالا بودن میزان آن به‌نوبه خود بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. لذا می‌توان بیان داشت که یکی از مسائلی که ذهن بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی و حتی عموم مردم را به خود مشغول کرده است موفقیت در زندگی و عوامل مربوط

<sup>۱</sup>. Cho

<sup>۲</sup>. Elfhag & Moreyb



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به آن است. همه ما همواره به این امر فکر می‌کنیم که چگونه برخی از افراد حتی در سخت‌ترین شرایط، دست از تلاش برای دستیابی به موفقیت بر نمی‌دارند، در حالی که برخی دیگر اینگونه نیستند. همین امر، روانشناسان را بر آن داشت که در زمینه انگیزه پیشرفت<sup>۱</sup> و عوامل مؤثر بر آن شروع به تحقیق کنند و عوامل انگیزشی<sup>۲</sup> مؤثر در فراوانی رفتار در انسان در جهت نیل به پیشرفت را مورد پژوهش قرار دهند (بیکر و تارمیزی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). بر اساس مطالعات گوناگون یکی از عواملی که می‌تواند به عنوان زمینه‌ای مرتبط با انگیزه پیشرفت در نظر گرفته شود میزان هوش است. به این صورت، زمانی که فرد توان هوشی خود را در حد انجام یک تکلیف می‌بیند عاملی می‌شود که بر میزان انگیزش او اثرگذار می‌شود هرچند که در این بین عواملی می‌توانند این میزان اثرگذاری را کاهش یا افزایش دهند. گیچ و برلاینر<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) انگیزه پیشرفت را به صورت میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص تعریف کرده‌اند. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران برای کسب موفقیت به سختی تلاش می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست، آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. به هر حال، این نیاز افراد را برای رسیدن به موفقیت در رقابت با معیار برتری، با انگیزه می‌کند (بابلج و سیمیک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱). انگیزه پیشرفت سبب می‌شود که فرد همواره نوع و میزان رفتار و تلاش خود را کنترل کند تا به اهداف خود دست یابد. البته رابطه انگیزه پیشرفت با خودکنترلی<sup>۶</sup> رابطه‌ای دوسویه است به گونه‌ای که اگر فرد خودکنترلی پایینی داشته باشد نمی‌تواند رفتار<sup>۷</sup>، هیجان<sup>۸</sup> و فکر<sup>۹</sup> خود را برای دست یابی به اهدافش کنترل کند، بنابراین ناکامی<sup>۱۰</sup> حاصل از این امر سبب می‌شود انگیزه کمتری برای پیشرفت داشته باشد (الفیج و مورب<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸).

در همین رابطه، اسلاوین<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۶، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۵) انگیزه پیشرفت را به عنوان میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌هایی که موفقیت در آن‌ها به کوشش و توانایی شخصی وابسته است، تعریف کرده است. وی معتقد است افراد دارای انگیزش پیشرفت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا و جدی هستند، در صورت شکست، دست از تلاش بر نمی‌دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش خود ادامه می‌دهند. در رابطه با این که انگیزه پیشرفت بالا به موفقیت می‌انجامد یا این که موفقیت موجب بالا رفتن سطح انگیزه پیشرفت می‌شود، پژوهش‌ها نتایج قاطعی را به دست نداده‌اند. آن چه که مشخص شده این است که انگیزه پیشرفت در ابتدا تحت تأثیر تجربه‌های فرد در خانواده است. یعنی هر چه تجربه‌های موفقیت‌آمیز فرد در خانواده بیشتر باشد، انگیزش وی بالاتر است. پس از آن که فرد وارد مدرسه شد و تجارب بیشتری کسب نمود، در این شرایط موفقیت و انگیزش پیشرفت روی یکدیگر اثر می‌گذارند. به عبارت دیگر، افزایش موفقیت باعث افزایش انگیزش پیشرفت می‌شود که در مقابل، انگیزش پیشرفت بالا نیز باعث موفقیت بیشتر می‌شود (بابلج و سیمیک، ۲۰۱۱).

۱. achievement motive

۲. motivational factors

۳. Bakar & Tarmizi

۴. Gage & Berliner

۵. Bubulj., & simic

۶. self-controlling

۷. bihavior

۸. emotion



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

متغیر دیگر پژوهش حاضر که می‌تواند تحت تأثیر میزان هوش و تیزهوشی یا عادی بودن فرد قرار گیرد میزان راسک<sup>۱</sup> است. از اهداف عمده تعلیم و تربیت، شکوفا کردن استعدادهای مختلف انسان می‌باشد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به استعداد ارائه راه‌حل‌های بدیع و نو برای مسائل متنوع اشاره کرد. بنابراین ایجاد زمینه برای حل مسئله و در نظر گرفتن راه‌حل‌های جدید برای آن نیز می‌تواند از جمله اهداف تعلیم و تربیت قرار گیرد. امروزه جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به افراد خلاق نیاز دارد، میزان پیشرفت یک جامعه در گرو چگونگی تربیت و پرورش نسل جوان است. لذا با در نظر داشتن این مهم می‌توان، مسئله راسک را از مهم‌ترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشی دانست (نظری، ۱۳۹۰). خلاقیت بعنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن ممکن است در مراحل بصورت کمون باقی بماند اما می‌توان آنرا دوباره احیاء کرد. راسک واژه‌ای است که اکثر محققان به تعریف و ترسیم افراد خلاق می‌پردازند. که آن می‌تواند به عنوان آفرینندگی حل مسئله تعریف شود (استادی، ۱۳۸۴). از آنجایی که پیشرفت تحصیلی و ظهور استعداد و راسک دانش‌آموزان بدون وجود فاکتور میزانی از هوش در آنان میسر نیست لذا موضوعی که بیش از همه در ارتباط با راسک اهمیت دارد، بحث رابطه آن با هوش دانش‌آموزان است. اما هنوز نتایج حاصل از این بررسی‌ها به قطعیت نرسیده است.

لذا بر اساس مطالب ذکر شده در بالا مساله اساسی پژوهش حاضر اینست که آیا بین عملکرد تحصیلی، انگیزه پیشرفت و راسک دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟

### ۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

دانش‌آموزان و همچنین افراد تحصیل کرده یک جامعه نیروی اصلی و پویا جهت پیشرفت آن جامعه است که با توجه به پیامدهای پیشرفت هر کدام چه جامعه و چه افراد جامعه، نتایج آن بسیار گرانبها و بهم مرتبط است. در این زمینه نقش عملکرد تحصیلی، انگیزه پیشرفت و راسک نیز به خوبی واضح است چرا که دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی بهتر، انگیزه پیشرفت بالاتر و راسک بهتر نتیجه‌اش پویایی و پیشرفت جامعه است که این مهم جهت یافتن علل و عوامل زمینه‌ای مداخله‌کننده در این متغیرها برای هر جامعه و پژوهشگری ارزشمند خواهد بود. لذا گفتگو درباره علل رفتاری دانش‌آموزان، روشن‌گر برخی از دیدگاه‌های مختلف درمورد انگیزش است. به طوری که برخی از معلمان رفتار دانش‌آموزان را از دیدگاه رفتاری و محیطی بررسی می‌کنند و برخی بر نقش علل درونی یا به اتخاذ بینابینی تأکید می‌ورزند. این مطلب نشان می‌دهد الگوهای انگیزشی متفاوتی وجود دارند که لازم است معلمان درباره الگوها یا نظریه‌های انگیزشی، چرا و چگونگی انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان بیندیشند تا رفتار خود در مدرسه را هدایت کنند. رفتار دانش‌آموزان نیز نشان می‌دهد که انگیزش خصیصه مهمی است که همه فعالیت‌های آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دانش‌آموزان برانگیخته شده به فعالیت‌ها علاقمندند، اعتماد به نفس دارند، در انجام تکالیف استمرار نشان می‌دهند و خوب عمل می‌کنند. اما وقتی دانش‌آموزان عملکرد ضعیفی داشته باشند، ممکن است که معلمان بگویند آنها برای یادگیری برانگیخته نبوده‌اند، اما اگر بیشتر تلاش کنند بهتر خواهند شد. با این فرض که انگیزش تحصیلی هدفی ارزشمند است و بر تمام ابعاد تحصیلی تأثیر می‌گذارد، لازم است معلمان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش آن را از اصلی‌ترین اهداف خود قرار دهند (پنتریچ و شانک، ۲۰۰۲). در تمام ابعاد اجتماعی، این انگیزش‌ها هستند که هدف همه فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند و نیروی محرکی که تداوم همه فعالیت‌هاست را تأمین می‌کند. در واقع می‌توان گفت انگیزه یکی از مهم‌ترین عواملی است که پیشرفت فرد را تأمین می‌کند. از آنجایی که سازمان‌ها همواره به دنبال افزایش خودکارآمدی کارکنان و افزایش بهره‌وری هستند، انگیزه پیشرفت کارکنان می‌تواند مهم‌ترین عامل رشد کل

۱. creativity

۲. Schunk



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سیستم سازمانی باشد. دانستن آنچه موجب افزایش انگیزه پیشرفت می‌شود می‌تواند به مدیران کمک کند تا حتی بدون افزایش حقوق و مزایا نیز راندمان کار خود را افزایش دهند (برونستین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). مدیریت انگیزه پیشرفت، برای دولتمردان نیز اهمیت زیادی دارد زیرا نیروی محرکه رشد اقتصادی انگیزه‌های مردم است، در این مسیر مردم برای رسیدن به اهداف خود، موجب سازندگی در کشور نیز می‌شوند. در حالی که اگر دولتمردان نتوانند بین انگیزه پیشرفت افراد و رشد جامعه همسویی ایجاد کنند، همین انگیزه پیشرفت در مسیرهای نادرست، حرکت کرده و موجب شکل‌گیری گروه‌های تبهکار می‌شود. بنابراین شناخت جنبه‌های مختلف انگیزه پیشرفت می‌تواند مسیر یک جامعه را سازمان‌دهی کند و پژوهش در این زمینه راه‌گشای توسعه همه جانبه جامعه است و در عین حال عدم توجه به عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت نتایج ناگواری را به بار می‌آورد (جاب و برانستیتیر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

همچنین از بعد دیگر مساله در زمینه اهمیت پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت که با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، انفجار اطلاعات، افزایش جمعیت و ... افراد می‌بایست برای رویارویی با مسائل و مشکلات روزافزون، آمادگی ارائه راهکارهای جدید را داشته باشند چرا که دنیای امروز نیازمند رویکردهای جدید است (خسروانی و گیلانی، ۱۳۸۶). امروزه همه اندیشمندان و محققان معتقدند که اساس قدرت انسان ناشی از راسک اوست. پس می‌توان گفت: تاریخ تمدن، ثبت توانایی‌های خلاق بشر است. امروزه همه جوامع بشری به راسک نیاز مبرم دارند و می‌توان ادعان نمود که راسک رمز اصلی و اساس پیشرفت و مانع وابستگی یک جامعه پویا است و اساس آسایش و رفاه بیشتر انسان در زندگی فردی و اجتماعی حال و آینده است (حسینی، ۱۳۷۸). لذا بر اساس پیامدها و اثرات این مساله می‌توان پرداختن به موضوع پژوهش حاضر را از دو جنبه حائز اهمیت دانست:

✓ **از بعد نظری**، پرداختن به این مبحث و روشن نمودن نقش هوش در عملکرد تحصیلی، انگیزه پیشرفت و راسک می‌تواند تصویری مناسب از نقش هوش بر متغیرهای پژوهش حاضر بدست دهد. در واقع، موضوع پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان ابزاری سودمند برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

✓ **از بعد کاربردی**، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به خط مشی‌گذاران و فعالان حوزه آموزش و تعلیم و تربیت کمک نماید تا به نقش هوش و عوامل اثرگذار در آن به عنوان عوامل مهمی در تفاوت افراد در متغیرهای پژوهش حاضر، نظری ویژه داشته و آموزش صحیح آنها را مدنظر قرار دهند.

## ۴- اهداف پژوهش

### اهداف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر نقش انگیزش در یادگیری دانش آموزان شهرستان راسک می‌باشد.

### اهداف جزئی

اهداف جزئی این پژوهش مشخص نمودن موارد زیر است:

۱. مقایسه انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک
۲. مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک

## ۵- فرضیه‌های پژوهش

۱- بین انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت معنی داری وجود دارد

۱. Brunstein

۲. Job & Brandstätter



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت وجود دارد.

## ۶- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

### انگیزه پیشرفت

**تعریف مفهومی:** گیج و برلایتر (۱۹۹۲) انگیزه پیشرفت را به صورت میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص تعریف کرده‌اند. موری، انگیزه پیشرفت را این گونه تعریف کرد: به نتیجه رساندن کار دشوار، دست کاری یا سازمان دادن اشیاء، افراد و عقاید، چیره شده بر موانع، دست یابی به معیار عالی، رقابت با دیگران و پیش افتادن از آنها (شولتز و شولتز، ۱۹۹۸؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۴).

**تعریف عملیاتی:** انگیزه پیشرفت در این پژوهش به وسیله پرسشنامه انگیزه پیشرفت<sup>۱</sup> که توسط هرمانز<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) ساخته شده استفاده می‌شود.

### عملکرد تحصیلی

**تعریف مفهومی:** عملکرد تحصیلی به معنای میزان تسلط و یادگیری فرد از موارد آموزشی ارائه شده طی سال تحصیلی، در کلاس درس است (برات وند، ۱۳۷۶)

**تعریف عملیاتی:** عملکرد تحصیلی با توجه به معدل دانش‌آموز سنجیده می‌شود.

## ۷- پیشینه نظری متغیرهای پژوهش

### انگیزه پیشرفت

در قرن جدید با پیشرفت سطح رفاه بشر، شاید دیگر مسائلی مانند نیازهای زیستی نتواند محرک نیرومندی برای به جریان انداختن زندگی بشر باشد و حالتی از پوچی و بیهودگی در حال گسترش است. بنابراین اگر بتوانیم افراد جامعه را به سوی زندگی‌ای بهتر سوق دهیم، یعنی این نگرش که باید در تمام مراحل زندگی هدفی برای پیشرفت خود داشته باشیم و در واقع انگیزه پیشرفت ایجاد کنیم، می‌توانیم بسیاری از مشکلات روانی را کاهش دهیم. این مسئله در روانشناسی مثبت نگر<sup>۳</sup> حتی به عنوان یک روش درمانی مورد توجه قرار گرفته است. بگونه‌ای که به فرد می‌آموزند که در هر موقعیتی حتی وقایع ناگوار زندگی به دنبال فرصت‌های ایجاد شده باشد، نه این که در جریان افکار منفی خودکار<sup>۴</sup> خود گرفتار شود. در روانشناسی مثبت نگر، پیشرفت هدف نیست بلکه منظور اصلی ایجاد هدف در زندگی است (کوری، ساتویندر و ادواردو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). البته این که فرد خود را گرفتار ملاک‌های رقابتی اجتماعی کند کار درستی نیست، پیشرفت باید با توجه به ملاک‌های فردی و برای تأمین نیاز به شکوفایی فرد باشد و فرد باید بیاموزد که بیشتر بر مبنای انگیزه‌های درونی خود رفتار کند تا در صورت عدم موفقیت از مسیر پیش رفت باز نماند (کوهن، فریدریکسون، برون و کان وی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

در مورد انگیزه پیشرفت تعریف‌های مختلفی ارائه شده است بنا به تعریف ویلدر<sup>۷</sup> (۱۹۸۹) این انگیزه عبارت است از میل و اشتیاق یا تلاش و کوششی که افراد برای رسیدن به هدفی یا تسلط بر امور، افراد یا اندیشه‌ها و دستیابی به یک معیار متعالی از خود نشان می‌دهند. بر اساس تعریفی دیگر، انگیزه پیشرفت سائقی برای پیشی گرفتن از دیگران، دستیابی به پیشرفت با توجه به ملاک‌های

۳. Positive psychology

۴. negative automatic thought

۵. Corey, Satvinder & Eduardo

۶. Cohen, Fredrickson, Brown & Conway

۷. Vilder



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشخص و تلاش جهت کسب موفقیت است (روبینز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). همچنین، گیج و برلانیر (۱۹۹۲) انگیزه پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در زمینه فعالیت خاص تعریف کرده‌اند. بسیاری از محققین عقیده دارند که انگیزه پیشرفت یکی از صفات شخصیتی نسبتاً پایدار است که منشأ بسیاری از رفتارهاست. افراد از نظر داشتن انگیزه پیشرفت با هم متفاوتند. برخی دارای انگیزه پیشرفت بالا هستند و برای به دست آوردن موفقیت و دستیابی به هدف‌های خود تلاش می‌کنند و برخی دیگر انگیزه پیشرفت پایینی دارند (اتکینسون، ۱۹۶۶).

## ۸- انواع انگیزه پیشرفت

**تقسیم بندی هدف‌گرا:** انگیزه‌های پیشرفت به دو دسته اصلی، انگیزه‌های عملکردی<sup>۳</sup> و انگیزه‌های تبحری<sup>۴</sup>، تقسیم شده‌اند. در ارتباط با انگیزه‌های عملکردی شخص می‌خواهد شایستگی خود را به دیگران نشان دهد یا آن را بهبود بخشد (مومرستیک و همکاران، ۲۰۱۱). افراد در انگیزه‌های عملکردی معمولاً شایستگی خود را بر اساس یک معیار ارزیابی می‌کنند. افراد دارای انگیزه‌های عملکردی روی این موضوع تمرکز دارند که توانایی‌ها و مهارت‌های خود را در مقایسه با دیگران نشان دهند. پیشرفت بر اساس انگیزه عملکردی به معنی بهتر عمل کردن نسبت به دیگران است. افراد دارای انگیزه‌های تبحری معمولاً شایستگی خود را بر اساس توانایی شخصی ارزیابی می‌کنند و توجه خود را بر پرورش دادن شایستگی و تسلط یافتن بر تکلیف متمرکز می‌کنند. پیشرفت بر اساس انگیزه‌های تبحری به معنی ترقی کردن است (کاپلان و مائهر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷).

پژوهشگران معتقدند تفاوت قائل شدن بین انگیزه‌های تبحری و عملکردی بسیار مهم است. انگیزه‌های تبحری، در موقعیت‌های پیشرفت (به عنوان مثال، در مدرسه، کار و ورزش)، با شیوه‌های تفکر<sup>۶</sup>، احساس و رفتار مثبت و سازنده در ارتباط است، در حالی که انگیزه‌های عملکردی، در موقعیت‌های پیشرفت، با شیوه‌های تفکر، احساس و رفتار نسبتاً منفی و بی‌حاصل ارتباط دارد و فرد ممکن است برای ارتقای مرتبه خود به فکر پایین آوردن دیگران باشد. از طرف دیگری، انگیزه‌های تبحری بر اساس رقابت نیست اما مشکل این است که ممکن است فرد را از معیارهای جامعه جدا کند. به طور مثال فرد آنقدر در امور هنری پیش رود که به سایر جنبه‌های زندگی توجهی نداشته باشد و در ساده‌ترین کارهای خود درمانده باشد (زایگلر، شموکل، اگلوب و بوهر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰).

**تقسیم بندی بر اساس منبع انگیزه:** به دو دسته انگیزه درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. انگیزش درونی شامل گرایش فطری برای پرداختن به تمایلات، استعدادها و تسلط یافتن بر چالش‌ها است. انگیزش درونی به طور خود جوش از نیازهای روانی فرد، کنجکاوی شخصی و تلاش فطری برای رشد ناشی می‌شود. از آنجا که افراد دارای نیازهای روانی هستند، بنابراین برای ارضای این نیازها باید از ابزار خاصی نیز استفاده کنند، احساس شایستگی و احساس خود مختاری دو نمونه از ابزارهایی هستند که فرد از طریق آن‌ها نیازهای روانی خود را ارضا کرده و به دنبال آن انگیزه درونی را نیز تجربه می‌کند. انگیزش درونی یک نیروی طبیعی است که رفتار را در غیاب پاداش‌ها و فشارهای بیرونی نیرومند می‌کند. به عنوان مثال، علاقه بدون کمک پاداش‌ها و فشارها می‌تواند میل به خواندن کتاب را در فرد برانگیزد و شایستگی نیز می‌تواند فرد را ساعت‌ها در یک تکلیف درگیر کند (تراش، کاسیدی، ماروسکین و الیوت<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰).

۱. Robbins

۲. goal orientation

۳. functional motive

۴. skillfully motive

۵. Kaplan & Murry

۶. thinking style

۷. Ziegler, Schumke, Egloff & Bühner

۸ Thrash, Cassidy, Maruskin & Elliot



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انگیزش بیرونی از مشوق‌ها و پیامدهای محیطی ناشی می‌شود. هنگامی که ما برای کسب نمره بالا، دریافت جایزه یا انجام یک تکلیف در مدت تعیین شده تلاش می‌کنیم، در واقع، رفتار ما به صورت بیرونی برانگیخته شده است. منشأ این نوع انگیزه، رویدادهای محیطی است؛ بنابراین نوعی دلیل محیطی برای شروع یا ادامه یک فعالیت باید موجود باشد. این نوع انگیزه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. به عبارت دیگر، رفتار وسیله و پیامد، هدف است. به عنوان مثال، کودکی که به طور جدی درس می‌خواند احتمالاً این کار را به خاطر کسب نمره بالا، پاداش یا خوشحال کردن معلم و والدینش انجام می‌دهد. در این مورد، هدف کودک کسب نمره، پاداش یا تأیید است. درس خواندن جدی در حکم وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف‌ها می‌باشد (تراش و همکاران، ۲۰۱۰).

## ۹- نظریه‌های انگیزش پیشرفت

### نظریه تولمن

تولمن<sup>۱</sup> معتقد بود که رفتار هدفمند است. به عنوان مثال، افراد همیشه برای رسیدن به مکان‌های خاصی رانندگی می‌کنند یا این که آن‌ها همیشه برای رفتن به مکان خاصی از منزل خارج می‌شوند. وقتی که هدف مورد نظر به دست آمد، رفتار نیز متوقف می‌شود. علاوه بر این، رفتار شامل شناخت<sup>۲</sup> و دانش<sup>۳</sup> نیز می‌باشد. افراد برای رسیدن به هدف‌های خود به میزان زیادی به فرضیه‌ها<sup>۴</sup> و انتظارات خود وابسته‌اند. به عنوان مثال، یک کتاب‌دار وقتی که قفسه کتابخانه را جستجو می‌کند، این جستجو از فرضیه‌ها یا انتظارات خاصی ناشی می‌شود. کتاب‌دار می‌داند کجا را بگردد و می‌داند هنگامی که آنجا را بگردد چه چیزی خواهد یافت. در مورد اهداف مورد نظر برای انگیزه پیشرفت نیز، فرد بر اساس فرضیه‌ها و انتظارات، میزان تمایل خود را تنظیم می‌کند زمانی که فرضیه او این باشد که به امکان زیاد می‌تواند در کالج نمره الف باشد و توانایی این کار را دارد و پیش‌بینی می‌کند که در صورت مطالعه مناسب، این هدف دست یافتنی است، در او این تمایل ایجاد می‌شود که خود را وارد چالشی<sup>۵</sup> برای نمره الف شدن کند. اما در صورتی که او میزان توانایی خود را پایین‌تر از این هدف در نظر بگیرد یا تصور کند که ممکن است به صورت ناعادلانه‌ای نمره‌دهی انجام می‌شود انگیزه‌ای برای پیش رفت در مرتبه علمی خود در کلاس انجام نمی‌دهد (به نقل از پانگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰).

اصطلاحاتی که تولمن برای هدف و شناخت به کار برد، به ترتیب «خواست<sup>۷</sup>» و «انتظار<sup>۸</sup>» می‌باشند. خواست‌ها از نیازهای بدنی<sup>۹</sup> مانند گرسنگی، تشنگی، میل جنسی، خواب و درد سرچشمه می‌گیرند. منظور از هدف، تمایل برای به دست آوردن یک پدیده محیطی است که بتواند خواست بدن را ارضا کند. انتظارات زمانی ایجاد می‌شوند که افراد قصد دارند پدیده‌هایی را جستجو کنند که خواست‌هایشان را ارضا کنند. منظور از شناخت، نقشه شناختی<sup>۱۰</sup> اکتسابی فرد است در مورد این که چه چیزی در محیط به چه چیزی می‌انجامد. جستجوهای محیطی برای پدیده‌هایی که خواست‌ها را ارضا می‌کنند تصادفی نیستند، بلکه همواره انتظارات آن‌ها را هدایت می‌کنند (به نقل از پانگ، ۲۰۱۰).

۱. Tolman

۲. cognition

۳. knowledge

۴. hypothesis

۵. challenge

۶. Pang

۷. demand

۸. expectation

۹. physiological needs

۱۰. cognitive map





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نظریه لوین

دیدگاه لوین<sup>۱</sup> در زمینه انگیزش، همانند دیدگاه تولمن، فرد را به عنوان یک ارگانیسم هدف‌گرا در نظر می‌گیرد. فرد همیشه به چیزی نزدیک یا از آن دور می‌شود و آن چیزی که باعث نزدیک شدن یا دور شدن فرد می‌شود نیاز<sup>۲</sup> است. نیازها نه تنها از خواست‌های بدنی ایجاد می‌شوند بلکه از خواست‌های روانی هم نشأت می‌گیرند. نیازها، قصدها<sup>۳</sup> را به وجود می‌آورند. به عنوان مثال، نیاز به یک جفت کفش نو، قصد رفتن به فروشگاه را به وجود می‌آورد. وقتی که قصد ایجاد شد، به دنبال آن تنش نیز ایجاد می‌شود تا این که آن تنش از طریق رفتار پایانی (رفتار گرایشی یا رفتار اجتنابی) کاهش یابد. سازه شناختی لوین، جاذبه<sup>۴</sup> بود، که منظور ارزش مثبت یا منفی<sup>۵</sup> پدیده‌های محیطی برای فرد است. به عبارت دیگر، موضوعات جالب و کاهش دهنده تنش، جاذبه مثبت و موضوعات تهدید کننده و تنش‌زا، جاذبه منفی پیدا می‌کنند. بنابراین می‌توان برای افزایش انگیزش پیشرفت احساس نیاز به پیشرفت را در افراد افزایش داد تا آنها با کاهش تنش ناشی از آن تلاش خود را افزایش دهند. (برونستین، ۲۰۱۰).

در زندگی اجتماعی نیز بسیاری از نیازها، نیازهای اکتسابی است اینکه یک فرد جایزه نوبل دریافت کند در بسیاری از دانشمندان تنش بسیار زیادی ایجاد می‌کند و آنها را وا می‌دارد که به میزان زیاد و برای سالیان زیاد تلاش کنند، این در حالی است که گرفتن چنین جایزه‌ای هیچ یک از نیازهای زیستی آنها را تأمین نمی‌کند و در بسیاری موارد تأمین نیازهایی مانند خواب و استراحت را نیز مختل می‌کند. در واقع عامل تعیین کننده میزان تنش ایجاد شده است. در هدف‌های مختلف موجود، هدفی که تنش بیشتری ایجاد می‌کند رفتار انسان را به سمت خود جهت می‌دهد (برونستین، ۲۰۱۰).

## دیدگاه مک کللند

مک کللند (۱۹۶۱) در زمینه انگیزه پیشرفت نظریه خود را در غالب فرضیه‌هایی به شرح زیر بیان کرده است:

- افراد از نظر درجه‌ای که پیشرفت را تجربه‌ای رضایت بخش تجربه می‌کنند با هم تفاوت دارند.
- افراد دارای نیاز به پیشرفت زیاد، در مقایسه با افرادی که نیاز کمتری دارند موقعیت‌های مشتمل بر مخاطره متوسط را ترجیح می‌دهند زیرا در مخاطره اندک احساس پیشرفت کم است و در مخاطره زیاد ممکن است هیچ پیشرفتی حاصل نشود. همچنین این افراد موقعیت‌هایی که در آنها آگاهی از نتایج فراهم می‌شود را ترجیح می‌دهند زیرا مایل هستند بدانند که آیا به پیشرفت مورد نظر دست یافته‌اند یا خیر.
- افرادی که نیاز به پیشرفت دارند اغلب به حرفه‌ای بازرگان کارآفرین به عنوان حرفه‌ای مادام العمر جلب می‌شوند. یعنی بازرگانانی که به تأسیس و شکوفایی شرکت‌ها مبادرت دارند این ویژگی به عنوان امری حیاتی در رشد اقتصادی مطرح است (مینر<sup>۶</sup>، ۱۹۸۵).

## نظریه دسی در زمینه انگیزش

دیدگاه دسی<sup>۷</sup> نسبت به انگیزش با این فرض اساسی شروع می‌شود که انسان موجودی فعال است و در محیط به شیوه‌ای مؤثر عمل می‌کند تا نیازهای خود را ارضا کند. طبق این دیدگاه، انسان اراده دارد و آغاز کننده رفتار است. دسی نیز روی

۱. Lewin

۲. need

۳. intention

۴. valence

۵. Positive and negative value

۶. Miner

۷. Deci



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محرک‌های روان‌شناختی که به رفتار نیرو و جهت می‌دهند تاکید زیادی دارد. هم نیازهایی که برای ارگانسیم ذاتی هستند و هم نیازهایی که بر اثر تعامل با محیط ایجاد می‌شوند، به رفتار نیرو می‌دهند. جهت رفتار نیز با فرایندهایی ارتباط پیدا می‌کند که فعالیت‌های ارگانسیم را در جهت ارضا نیازها سازمان می‌دهند (رین برگ و انگسر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

دسی در امور آموزشی معتقد بود که برای شناخت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، ابتدا باید به گرایش‌های انگیزشی آن‌ها توجه کرد. طبق این نظریه، افراد می‌توانند دارای انگیزش درونی، بیرونی و یا بدون انگیزش باشند. هنگامی که افراد احساس شایستگی و خودمختاری می‌کنند، دارای انگیزش درونی هستند؛ رفتار این افراد از درون هدایت می‌شود؛ آن‌ها به دیگران و یا به وقایع بیرونی به راحتی اجازه نمی‌دهند تا بر آن‌ها تأثیر بگذارند. اما، افرادی که انگیزش بیرونی دارند خود را با کفایت و یا خودمختار در نظر نمی‌گیرند؛ رفتار این افراد از بیرون هدایت می‌شود، یعنی وقایع بیرونی و افراد دیگر در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، افرادی که فاقد انگیزش هستند، بین رفتار تحصیلی خود و اتفاقات مدرسه رابطه‌ای نمی‌بینند. این دانش‌آموزان رفتارهای منفعلانه، مطیع و اجتنابی نشان می‌دهند و هیچ آمیدی برای کنترل محیط خود ندارند. بنابراین، خود را به موقعیت‌های مختلف واگذار می‌کنند. در نتیجه، پیامد این امر منفعل بودن و بی‌مسئولیتی است (رین برگ و انگسر، ۲۰۱۰).

## دیدگاه نیکولز

نیکولز (۱۹۸۴)، به نقل از نیکولز، اتکینسون و پپلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) الگوی هدف‌گرایی خود را به صورت دو نوع جهت‌گیری هدف تکلیف-مدار<sup>۳</sup> و خود-مدار<sup>۴</sup> مشخص کرده است. در این مدل، وی فرض می‌کند که هدف‌گرایی افراد با باورهای آنان در مورد علت موفقیت ارتباط دارد. این جهت‌گیری‌ها چارچوبی را فراهم می‌کنند که می‌توان از طریق آن علت موفقیت را پیش‌بینی کرد. به عنوان مثال، دانش‌آموز تکلیف-مدار که بر یادگیری متمرکز می‌شود، در پاسخ به این سؤال که چه چیزی باعث موفقیت دانش‌آموزان می‌شود، خواهد گفت: «آن‌ها سعی می‌کنند که درس را بفهمند نه این که درس را حفظ کنند.» در مقابل، دانش‌آموز خود-مدار که بر نشان دادن توانایی متمرکز می‌شود، در پاسخ به سؤال فوق چنین می‌گوید: «آن‌ها سعی می‌کنند تا دیگران را شکست دهند.» همچنین، وی گزارش داده است بیشتر دانش‌آموزان دبیرستانی که از فعالیت‌های مدرسه اجتناب می‌کنند، سعی دارند تکالیف درسی را با کمترین تلاش انجام دهند، از فشارهای معلم فرار کنند و موفقیت در مدرسه را کمتر به تلاش و علاقه‌مندی نسبت می‌دهند.

## الگوی هدف‌گرایی دویک در انگیزه پیشرفت در یادگیری

دویک (۱۹۸۶)، به نقل از دویک و لگت<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) الگوی هدف‌گرایی خود را به صورت دو نوع هدف‌های یادگیری<sup>۶</sup> و هدف‌های عملکردی مطرح کرده است. در هدف‌های یادگیری، تأکید بر افزایش توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش است، اما در هدف‌های عملکردی، تأکید بر نشان دادن توانایی‌ها است نه افزایش آن‌ها. چه چیزی افراد را به سمت جهت‌گیری‌های متفاوت سوق می‌دهد؟ چرا بعضی از افراد به هدف‌های عملکردی و بعضی دیگر به هدف‌های یادگیری توجه دارند؟ چرا بعضی از افراد توانایی‌های خود را کافی می‌دانند، ولی عده‌ای دیگر در رشد توانایی‌های خود می‌کوشند؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها، دویک نظریه هدف‌رفتار را مطرح کرده است، که بر اساس آن می‌توان پاسخ سؤال‌های بالا را مشخص کرد. بر طبق این نظریه، باور افراد در مورد پدیده‌ها، بر هدف‌گرایی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ هدف‌ها نیز به نوبه خود، الگوهای رفتاری متفاوتی را ایجاد می‌کنند.

۱. Rheinberg & Engeser

۲. Nicholls, Atkinson & Pepler

۳. task-focused

۴. ego-focused

۵. Dweck & Leggett

۶. learning goals



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این الگوهای رفتاری توسط محققان به دو دسته الگوهای انطباقی و غیر انطباقی تقسیم شده‌اند، که در واقع از جهت‌گیری‌های انگیزشی انطباقی و غیر انطباقی ناشی می‌شوند.

علاوه بر این، دویک و لگت (۱۹۹۸) بیان می‌کنند که هدف‌گرایی‌ها، حاصل باورهای مختلف در مورد ماهیت هوش هستند، منظور از باورهای هوشی، درک دانش‌آموزان از تغییر یا عدم تغییر هوش در طول زمان است. بعضی از افراد معتقدند که هوش یک ویژگی انعطاف‌پذیر، افزایشی و قابل کنترل است. در مقابل، بعضی دیگر معتقدند که هوش یک ویژگی ثابت و غیر قابل انعطاف است. افرادی که هوش را یک ویژگی انعطاف‌پذیر و افزایشی می‌دانند به دنبال هدف‌های یادگیری هستند و این هدف‌ها شایستگی آنان را افزایش می‌دهد. افرادی که هوش را یک ویژگی غیر قابل انعطاف و ثابت می‌دانند، به دنبال هدف‌های عملکردی هستند، یعنی به دنبال قضاوت مثبت هستند و از قضاوت منفی اجتناب می‌کنند.

اگر چه دویک بر آسیب‌پذیر بودن هدف‌های عملکردی نسبت به هدف‌های یادگیری تأکید دارد، ولی متذکر می‌شود افرادی که ارزیابی مناسبی از توانایی‌های خود دارند، در صورت داشتن هدف‌های عملکردی، رفتارهای سازش یافته‌ای را خواهند داشت. به عبارت دیگر، وقتی که اعتماد نسبت به توانایی بالا باشد، هدف‌های عملکردی، رفتار تبحر-مدار را ایجاد می‌کنند، این امر افراد را برای پیشرفت‌های بیشتر در آینده تقویت می‌کند. از طرف دیگر، افراد دارای هدف‌های یادگیری، حتی اگر اعتماد کمی نسبت به توانایی‌های خود داشته باشند به دنبال راه‌هایی برای افزایش آن‌ها و رسیدن به تسلط می‌گردند (پینتریچ و پل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

روبرتس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نیز معتقد است که هدف‌های عملکردی و هدف‌های یادگیری با باورهای خودکارآمدی دانش‌آموزان تعامل دارند و بر میزان کوششی که آن‌ها در مدارس صرف می‌کنند، تأثیر می‌گذارند. هدف‌های عملکردی بر ارزیابی‌های مثبت دیگران تمرکز می‌کنند، در حالی که هدف‌های یادگیری بر کسب مهارت‌ها و دانش جدید تأکید دارند. دانش‌آموزان دارای هدف عملکردی مستعد هستند که شکست را به عنوان نشانه‌ای از توانایی پایین تفسیر کنند، در حالی که دانش‌آموزان دارای هدف‌های یادگیری شکست را علامتی برای تغییر دادن راهبردشان برای کامل کردن تکلیف می‌دانند. دانش‌آموزان دارای هدف‌های عملکردی هنگام روبه‌رو شدن با شکست از تلاش دست می‌کشند، در حالی که دانش‌آموزان دارای هدف‌های یادگیری شکست را نشانه‌ای برای افزایش کوشش خود در نظر می‌گیرند.

## نظریه اندرو

تا یک دهه قبل ابعاد گرایش-اجتناب<sup>۳</sup> فقط در مورد هدف‌های عملکردی اعمال می‌شد و هدف‌های تبحری دست نخورده باقی مانده بودند. با این وجود، اندرو، الیوت، هالی و مک گروگور<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) ابعاد گرایش-اجتناب را علاوه بر هدف‌های عملکردی، برای هدف‌های تبحری نیز به کار بردند. بنابراین، هدف‌های تبحری را به دو شاخه هدف‌های تبحرگرا<sup>۵</sup> و تبحرگریز<sup>۶</sup> تقسیم کردند. بر اساس هدف تبحرگرا، فرد به دنبال کسب شایستگی از طریق افزایش توانایی، کسب لذت از یادگیری و تسلط بر موضوع مورد یادگیری است. لذا، فرد تکالیف چالش‌انگیز را انتخاب می‌کند چون در چارچوب هدف تبحرگرا، شکست به معنی تلاش و کوشش ناکافی تفسیر می‌شود.

به علاوه، اساس هدف تبحرگریز، پرهیز از عدم شایستگی و توانایی می‌باشد. شخص عملکردگریز از ارزیابی‌ها و قضاوت‌های منفی دیگران اجتناب می‌کند، ولی شخص تبحرگریز از ارزیابی‌ها و قضاوت‌های منفی خود نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود نیز

۱. Paul

۲. Roberts

۳. Tendency - avoidance

۴. Andrew, Elliot, Holly & McGregor

۵. Skill-oriented

۶. Escape skill



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دوری می‌کند. در نتیجه، از تکالیف چالش‌انگیز اجتناب می‌کند، زیرا شکست در این تکالیف به معنی عدم شایستگی است. اندرو و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که الگوی هدف تبحرگریز منفی‌تر از الگوی هدف تبحرگرا و مثبت‌تر از الگوی هدف عملکردگریز است. پژوهش‌های مربوط به هدف تبحرگریز نشان داده‌اند که این جهت‌گیری اساساً با راهبردهای شناختی<sup>۱</sup> و رتبه‌های تحصیلی رابطه ندارد، اما به طور منفی با انگیزش درونی و به طور مثبت با عواطف منفی مانند اضطراب امتحان، ناراحتی و تهدید به کمک‌طلبی ارتباط دارند (کوری، الیوت، دافونسکا و مولر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

## دیدگاه نظریه مثبت‌نگر

روان‌شناسی مثبت، یک جنبش نو ظهور در حیطه روان‌شناسی معاصر است که بر نیاز به فهم جنبه‌های مثبت تجربه‌های انسانی و فهم این‌که چه چیزی باعث می‌شود که زندگی ارزش زیستن داشته باشد، تاکید دارد روان‌شناسی مثبت، چیزی بیش از مطالعه علمی فضیلت‌ها و توانایی‌های انسان نیست. این حیطه در چشم‌انداز علمی خود علاقه‌مند به تحقیقات علمی به منظور فهم کامل گستره تجارب انسان از کمبود، رنج و بیماری تا شکوفایی، سلامتی و شادابی انسان می‌باشد (فریدریکسون، برون، میکلز و کانوی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

سلیگمن، تریسی و آستین<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) معتقد است که پیام جنبش روان‌شناسی مثبت یاد آور این نکته است که رشته روان‌شناسی در حال تغییر و تحول است؛ زیرا روان‌شناسی تنها متمرکز بر بیماری‌ها، درمان و رفع کمبودها نیست، بلکه روان‌شناسی مثبت به دنبال افزایش شادی<sup>۵</sup>، سلامت و مطالعه علمی در مورد نقش توانمندی‌های شخصی<sup>۶</sup> و سامانه‌های اجتماعی مثبت<sup>۷</sup> در ارتقای سلامت افراد و جوامع است. روان‌شناسی مثبت به جای بحث در باره اختلال‌ها و آسیب‌شناسی روانی، به ویژگی‌های انسان سالم، عوامل مؤثر بر سلامت روانی و راهبردهای استفاده از حداکثر قابلیت‌های ذاتی و محیطی برای برخورداری از حالت روانی سالم و زندگی سازنده می‌پردازد. روان‌شناسی مثبت به معنی استفاده کاربردی از تحقیقات روان‌شناسی در جهت تسهیل کارکرد بهینه انسان‌ها است. این رویکرد جدید بر این اساس است که افراد تمایل دارند خلاق باشند، خودشان انتخاب کنند و بر محیط و شرایط تسلط داشته باشند، زیرا هر انسانی توانایی‌های ذاتی برای بهتر زیستن دارد. کار اصلی روان‌شناسی، اندازه‌گیری، فهمیدن و سپس بنا کردن این توانمندی‌ها در انسان‌ها و ایجاد فضیلت‌های اجتماعی و در نهایت فرمول بندی برای هدایت شخص به سمت ایجاد یک زندگی بهتر است (سلیگمن و سیکزنت میهالی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰).

## پیشایندهای انگیزه پیشرفت

همانند صفات، ویژگی‌ها و انگیزه‌های مختلف، انگیزه پیشرفت را نیز عوامل و سازه‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد، که ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در فرهنگ‌های مختلف معیارهای متفاوتی برای زندگی و رضایت از زندگی در نظر گرفته می‌شود و همین معیارها میزان انگیزه پیشرفت را تعیین می‌کند. فرهنگ همچنین درونی یا بیرونی بودن انگیزه پیشرفت را نیز تعیین می‌کند به گونه‌ای که در عصر جدید فرهنگ غالب در دنیا بیشتر به سوی انگیزه‌های بیرونی است و افراد را بر اساس موفقیت‌ها و ملاک‌های بیرونی ارزیابی می‌کنند (بابلج و سیمیک، ۲۰۱۱).

۱. cognitive strategies

۲. Cury, Elliot, Da Fonseca & Moller

۳. Fredrichson, Brown, Mikels & Conway

۴. Seligman, Tracy & Steen

۵. happiness

۶. personal ability

۷. positive social system

۸. Csikszentmihalyi



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی دیگر از پیشایندهای انگیزه پیشرفت ویژگی‌های شخصیتی افراد است. افراد درون‌گرا انگیزه کمتری برای مطرح شدن در ملاک‌های اجتماعی دارند و بیشتر به دنبال ملاک‌های فردی خود هستند. انگیزه پیشرفت در افراد با گشودگی بالا، بالاتر است زیرا این افراد نسبت به موضوعات مختلف علاقه نشان می‌دهند در نتیجه هدف‌های بیشتری نیز در زندگیشان نمود پیدا می‌کنند در حالی که اگر گشودگی به تجربه پایین باشد فرد تنها با تجربه‌های معمول برخورد می‌کند و تعداد مسیرهای پیش رو برای آنها کمتر است. از طرف دیگر، نوروز از آنجایی که مسائلی مانند عزت نفس پایین را به همراه دارد فرد را از پیامدهای شکست در هر چالش می‌ترساند و فرد به علت پرهیز در مواجهه با شکست کمتر خود را درگیر مسائل چالش برانگیز می‌کند (فرند و هولینگ، ۲۰۱۱).

سبک فرزند پروری جنبه دیگری است که بر میزان انگیزه پیشرفت فرد تأثیر می‌گذارد. تحقیقاتی که سیرز، مک کوبی و لوین<sup>۱</sup> (۱۹۵۷) با استفاده از روش‌های مختلف روی رفتار والدین انجام داده‌اند نشان می‌دهد که دو بعد از رفتار والدین از اهمیت اساسی برخوردار هستند که عبارتند از پذیرش در برابر طرد<sup>۲</sup> و سختگیری<sup>۳</sup> در برابر آسان‌گیری. در همین راستا، وینتر باتوم<sup>۴</sup> (۱۹۵۳) با انجام تحقیقاتی به این نتیجه رسید که مادران پسرهای پیشرفت‌گرا از فرزندان خود در کسب مهارت‌ها و استقلال انتظارات بیشتری دارند. در کشور ما نیز در تحقیقی که شکرکن و باقری (۱۳۷۳) انجام دادند نشان داد که هر چه از سن پایین‌تری استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی انجام شود میزان انگیزه پیشرفت بالاتر است. حالت‌های خلقی مانند شادکامی و افسردگی نیز می‌توانند بر میزان تمایل پیشرفت مؤثر باشد بگونه‌ای که یک فرد افسرده معمولاً احتمال بیشتری را برای شکست در یک موقعیت قرار می‌دهد بنابراین تمایل کمتری برای ادامه تلاش پیدا می‌کند، در حالی که افرادی که خلق بهتری دارند ارزیابی‌های مثبت‌تری از موقعیت داشته و حتی گاهی از خود قرار گرفتن در یک چالش لذت می‌برند زیرا می‌توانند توانایی‌های خود را ارزیابی کنند. این افراد حتی زمانی که با شکست مواجه می‌شوند آن را به عنوان نوعی تجربه و یادگیری در نظر می‌گیرند و راحت‌تر با آن برخورد می‌کنند (کوهن و همکاران، ۲۰۰۹).

## پیامدهای انگیزه پیشرفت

در پژوهش آگورو و البرگ (۱۹۷۲)، به نقل از سیف، (۱۳۸۶) ۶۳۰۰ نفر مورد بررسی قرار گرفت نشان دادند که ضریب همبستگی انگیزه پیشرفت و عملکرد ۰/۳۴ است یعنی سهم قابل توجهی از عملکرد فرد را این سازه تبیین می‌کند همچنین اتکینسون و ریتمن (۱۹۵۶)، به نقل از ویدلر، (۱۹۸۹) نشان دادند که افرادی که دارای انگیزه پیشرفت بالا هستند به برتری بیش از پاداش مادی علاقه دارند. آنها روی یک تکلیف پولی به سبب پولی که دریافت می‌کنند کار نمی‌کنند.

برخی از پیامدهای انگیزه پیشرفت بالا توسط مک کلند (۱۹۶۱) بدین صورت بیان شده است:

۱- تکالیف نسبتاً چالش‌انگیزی را که احتمال موفقیت در آنها باشد انجام می‌دهند. کارهای بسیار ساده به دلیل نداشتن چالش و تکالیف بسیار دشوار را به دلیل احتمال کم موفقیت دوست ندارند.

۲- افراد دارای انگیزه پیشرفت معمولاً در کارها پشتکار از خود نشان می‌دهند و بیشتر از سایرین در شغل خود درگیر می‌شوند حتی برخی ویژگی اعتیاد به کار<sup>۵</sup> می‌شوند.

۳- وقتی افراد دارای نیاز به پیشرفت بالا موفقیت کسب می‌کنند سطح آرزوی خودشان را افزایش می‌دهند و به کارهایی که اندکی رقابت‌انگیزتر و مشکل‌تر باشد گرایش پیدا می‌کنند.

۱. Sears, MacCoby & Lvin

۲. Acceptance versus rejection

۳. Strictness

۴. Winterbottom

۵. work alcoholic



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴- افراد دارای نیاز به پیشرفت بالا تمایل دارند در موقعیت‌هایی کار کنند که تا اندازه‌ای بر نتیجه کار کنترل داشته باشند. زیرا تا حد زیادی به توانایی‌های خود اطمینان دارند بنابراین ترجیح می‌دهند خودشان عامل تعیین کننده موفقیت باشند تا سایر عوامل مانند شانس.

پایداری یکی دیگر از پیامدهای انگیزه پیشرفت است که در برخی مطالعات به آن اشاره شده است. مثلاً واینر و کوکلا<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که افرادی با انگیزه پیشرفت بالا وقتی در تکلیفی موفق نمی‌شوند پایداری بیشتری دارند. همچنین این افراد سعی می‌کنند در صورت لزوم از دیگران کمک بگیرند البته این درخواست کمک بیشتر جنبه مشورتی دارد تا اینکه از کسی بخواهند تکلیف را برایشان انجام دهد. این افراد از آنجایی که برای پیشرفت و موفقیت اهمیت زیادی قائلند از اینکه از کسی کمک بگیرند نگرانی ندارند مگر اینکه باعث شود احساس کنند دیگر نتیجه موفقیت به خود آنها نسبت داده نمی‌شود (وایمر و لونت، ۲۰۱۱). یکی دیگر از پیامدهای انگیزه پیشرفت کاهش احساس پوچی و بیهودگی در این افراد است زیرا سهم بسیار زیادی از ذهنشان مشغول فکر کردن به راه‌های پیشرفت و موانع و راهبردهای مناسب آن است. از این رو زمان زیادی برای فکر کردن به مسائل ناگوار زندگی باقی نمی‌ماند. در فرایند درمانند افسردگی نیز یکی از راهکارهای پیش روی درمانگران افزایش انگیزه پیشرفت است. اگر مراجع برای فردای خود هدفی داشته باشد که احتمال موفقیت و مسرت ناشی از آن را انتظار بکشد می‌تواند خود را از چرخه تفکرات منفی نجات دهد. معمولاً درمانگر برای مراجع هدفی دستیافتنی در نظر می‌گیرد و مراجع را برای رسیدن به آن تشویق می‌کند وقتی مراجع تقویت ناشی از آن را تجربه کرد خود به خود برای تکرار موارد اینچنین تلاش می‌کند (فریدریکسون و همکاران، ۲۰۰۹).

## وایت<sup>۲</sup>

وایت (۱۹۵۹) از اسکاکتل پارافراتر گذاشته و استدلال می‌کند که انگیزه پیشرفت در رشد کودکان ارضای هر سائق نیست، بلکه داشتن کنش متقابل با محیط است که وی آن را انگیزش شایستگی<sup>۳</sup> می‌نامد. یک کودک نه تنها سائق‌هایی دارد که با ارضاء شدن کامیاب می‌شوند؛ بلکه برای هیجان، تازگی و فرصت مقابله با مسائل نیازهایی دارد که فقط می‌توانند به وسیله محرک ارضا شوند فرض می‌کنیم که شخص در اثر بیش فعالی ناکام شود، اما ممکن است کار بسیار سنگینی در دست داشته باشد و یا زیر بارگران مسائل فکری و شخصی باشد. به همین صورت ممکن است فرد به سبب کم تحرکی احساس ناکامی می‌کند؛ زیرا فرصت کمی برای تجربه کردن و اکتشاف دارد؛ مسأله‌ای که امروزه دامنگیر بسیاری از مردم است.

## نظریه تداعی گرایي

در قرن نوزدهم، مکتب مسلط روان‌شناسی در انگلستان و آمریکا نظریه تداعی گرایي بود که ریشه آن به جان لاک<sup>۴</sup> بر می‌گردد. تداعی گرایي را می‌توان این گونه بیان کرد که: تفکر عبارت است از مرتبط نمودن ایده‌های ناشی از تجربه، بر اساس فراوانی، تازگی و وضوح، هر اندازه که دو ایده بیشتر، تازه‌تر و واضح‌تر با هم مرتبط باشند، وقتی یکی به ذهن می‌آید به احتمال زیاد دیگری نیز آنرا همراهی می‌کند (نلر، ۲۰۰۲). بر اساس نظریه تداعی گرایي، ایده‌های نو، از ایده‌های قدیمی و به وسیله فرآیند آزمون و خطا به وجود می‌آیند، فرد موقع روبرو شدن با مسأله‌ای، تلفیقی از ایده‌ها را یکی بعد از دیگری فرا می‌خواند تا آرایشی برای راهیابی پیدا کند. این ترکیب، ایده تازه او را شکل می‌دهد. بنابراین، تفکر خلاق عبارت است از: فعال کردن ارتباطات ذهنی به نحوی که یا ترکیب درست خود را بروز دهد و یا شخص از آن دست بردارد. لذا می‌توان گفت هر اندازه که شخص تداعی بیشتری حاصل کند، ایده‌های بیشتری در اختیار خواهد داشت.

۱. Weiner & Kukla

۲. white

۳. competence motivation

۴. John lock



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با این حال تداعی‌گرایی به سختی از عهده تبیین حقایق شناخته شده راسک بر می‌آید. تفکر تازه، به معنای جدا کردن ایده‌های قبلی از زمینه و ترکیب کردن آن‌ها به منظور ایجاد تفکر بکر و دست نخورده است. چنین تفکری، ارتباط موجود را نادیده گرفته و ارتباط منحصر به خود خلق می‌کند. ایده‌های تازه کودکی خلاق را به دشواری می‌توان به ارتباطات بین ایده‌های ناشی از تجارب گذشته او نسبت داد، زیرا که تجارب مشابه ممکن است نتوانند حتی اندیشه بکری در کودکی نسبتاً غیر خلاق به وجود آوردن. در واقع، شخص انتظار دارد که با تکیه بر ارتباطات گذشته، به تولید پاسخ‌های قابل انتظار و پیش پا افتاده‌ای نائل شود نه پاسخ‌هایی که بکرو دست نخورده هسند (نلر، به نقل از مسدود، ۱۳۸۰).

## نظریه رفتارگرایان

اساس مکتب رفتارگرایان نشأت گرفته از تداعی‌گرایی است. رفتارگرایان، رفتار خلاق را عبارت از رفتاری می‌دانند که از طریق تقویت‌های محیطی فرا گرفته شده است. رفتار گرایان برای فرد در تولید خلاق حداقل نقش را قائلند و آنها می‌گویند که محصولات خلاق معمولاً از راه تغییرات تصادفی به دست می‌آید که به خاطر پیامدهای مثبتشان انتخاب می‌شوند (به نقل از جعفریان، ۱۳۸۷).

## دیدگاه گیلفورد نسبت به راسک

به نظر گیلفورد (۱۹۸۷)، تفکر واگرا ویژگی مهم آفرینندگی است. در این نوع تفکر جواب قطعی وجود ندارد و تعداد زیادی جواب احتمالی ممکن است موجود باشد که از نظر منطقی هر یک از آنها درست است.

## کوشلر<sup>۱</sup>

کتاب آرتور کوشلر (۱۹۶۴) به نام «کنش آفرینش<sup>۲</sup>» جاه طلبانه ترین تلاش است که تا کنون برای جمع آوری یافته‌های علوم مختلف و شهر ساختن آنها در نظریه‌های متعددی از راسک انجام است وی در کتاب خود بر آن است که نظریه خود را در مورد ماهیت راسک به صورتی که در شوخ طبعی و عملی ابراز می‌شود، تألیف کند و آخرین نتایج روان شناسی فیزیولوژیک، عصب شناسی، ژنتیک و برخی علوم دیگر را در آن منظور کند. ایده اصلی او این است که تمامی فرآیندهای خلاق الگوی مشترکی دارند که وی آن را ارتباط دو وجهی<sup>۳</sup> می‌نامد و آن پیوند دادن سطوح تجربه‌های بی ارتباط قلبی با مبنای دآوری است. فرد موقع تفکر خلاق همزمان، به بیش از یک زمینه تجربی می‌اندیشد؛ حال آنکه در تفکر معمولی، راه‌هایی را دنبال می‌کند که تداعی آنها گذشته را در بر می‌گیرد. (نلر، به نقل از مسدود، ۱۳۸۰). بنابر نظر کوشلر هر الگویی از اندیشه و یا رفتار توسط مجموعه‌ای از قواعد<sup>۴</sup> (یا رمز<sup>۵</sup>) کنترل می‌شود که یا ذاتی هستند و یا آموخته شده‌اند. در عین حال، این الگو دارای انعطاف پذیری معینی است تا بتواند به طور گزینشی، گستره‌ای از شرایط محیط، واکنش نشان دهد. (کفایت، ۱۳۷۴). نتیجه‌ای که از این مباحث به دست می‌آید این است که با وجود نبودن نظریه‌ای قطعی در زمینه راسک، باید با بنش ناشی از نظریه‌هایی موجود راه حلی پیدا کنیم. برای تبیین متافیزیکی و گهانی راسک ممکن است از فیلسوفان نظریه تکاملی مثل وایت، برای تبیین نقش ناخودآگاه در راسک از فروید، برای آگاهی از این که راسک تا چه اندازه پاسخی به محیط خارج ما است از نظریه اسکاتل استفاده می‌کنیم. بهترین تلاش تا زمان حال در مورد راسک در کل شخصیت را راجرز انجام داده است. در مجموع راسک از شیوه‌های فرزند پروری والدین، ایجاد امکانات محیطی و نوع آموزش‌ها و میزان پذیرش آن توسط آموزش و پرورش رسمی ایجاد می‌شود.

<sup>۱</sup>. Koestler

<sup>۲</sup>. The act of creation

<sup>۳</sup>. bisociation

<sup>۴</sup>. rules

<sup>۵</sup>. code



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی تسلط و یادگیری فرد از مواد آموزشی ارائه شده در یک دوره تحصیلی خاص تعریف شده است (برات وند، ۱۳۷۶). همچنین عملکرد تحصیلی به معنی توانایی دانش آموزان در پاسخ دهی به مسائل مربوط به موضوع یا موضوعات خاص پیش بینی شده برای یک دوره آموزشی است (سپهوندی، ۱۳۸۵). به علاوه، عملکرد تحصیلی شامل ثبت کلیه فعالیت‌های شناختی فرد تحصیل کرده است که با یک سیستم درجه بندی مورد توافق با توجه به سطوح مختلف فعالیت‌های هیجانی و آموزشی و جدول زمانی سنجیده می‌شود و به عنوان فرآیند پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌شود (خوش کنش، ۱۳۸۶). در میان رویکردهای مختلفی که به منظور بررسی عوامل تعیین کننده پیشرفت تحصیلی انتخاب شده است دو رویکرد مهم و اصلی وجود دارد که در چند سال اخیر مطرح شده است و بر فرآیندهای مؤثر بر عملکرد تحصیلی تأکید می‌ورزند. در رویکرد نخست، تأثیر فرایندهای محیط خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی مطرح است و در رویکرد دوم از فرایندهای خاص دانش آموز نظیر خودتنظیمی و خودکارآمدی سخن به میان می‌آید (فولادچنگ و لطیفیان، ۱۳۸۱).

امروزه یکی از مهمترین دغدغه‌های والدین و مربیان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. از آنجا که عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی در سازگاری‌های اجتماعی و جایگاه آنان در جامعه دارد، بنابراین ضروری می‌نماید که عوامل مؤثر و مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. خانواده و مدرسه از جمله نهادهای اساسی جامعه بوده و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. هر یک از این نهادها به نوبه خود عهده دار تربیت افراد و پرورش استعدادها می‌باشند. یادگیری اساس فعالیت در مدارس است، به عبارت دیگر، مدارس اساساً برای مدیریت یادگیری پدید آمده‌اند. یادگیری اثربخش، محور اصلی فعالیت در یک مدرسه است. در تجربه‌های جهانی، گزارش سال ۲۰۰۶ یونسکو از کیفیت آموزش و پرورش در جهان حاکی از موفقیت بسیاری از کشورها در از میان برداشتن پدیده در سطح مدارس خود است.

یکی از نظریه‌های پشتیبان یادگیری، نظریه یادگیری در حد تسلط<sup>۱</sup> است که بلوم<sup>۲</sup> ارائه داده است. رویکرد یادگیری در حد تسلط بر این باور مبتنی است که اکثر دانش آموزان می‌توانند آن چه در مدرسه باید به آنان بیاموزند، را یاد بگیرند (به نقل از سیف، ۱۳۸۷). از این رو وظیفه مدارس، ایجاد انگیزه هر چه بیشتر برای یادگیری در دانش آموزان و پذیرفتن مسئولیت‌های هر چه بیشتر آنان در این زمینه است.

عملکرد تحصیلی در واقع هدفی است که شخص برای رفتار آموزشی خود برمی‌گزیند، که به سه مقوله طبقه‌بندی می‌شود: الف) هدف‌های تکلیف مدار<sup>۳</sup> که به تمایل فرد جهت کسب فهم، بینش و یادگیری اشاره می‌کند، ب) هدف‌های بیرونی<sup>۴</sup> که بیانگر تلاش فرد در تکلیف یادگیری به منظور رسیدن به پیامدهای بیرونی، دریافت پاداش به شیوه‌های مختلف و اجتناب از تنبیه است و ج) هدف‌های توانایی نسبی که به تمایل فرد جهت نشان دادن توانایی بالا با به دست آوردن قضاوت‌های مطلوب از توانایی‌های خود در برخورد با حیطه‌های مختلف در زندگی است و در دو مقوله شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقوله شناختی در اصل ادراک فرد از لیاقت و شایستگی خود است که تا حدودی از عزت نفس و مسائل هیجانی و عواطف سرچشمه می‌گیرد. مقوله‌ای اجتماعی در ادراک فرد از شایستگی و مهارت‌های خود برای تعامل با سایرین اشاره دارد (ریان و پنتریچ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷). پژوهش‌های زیادی بر نقش مؤثر و ارتباطات نزدیک خانوادگی و احساس امنیت دانش آموزان در خانواده بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان، صحه گذاشته‌اند (لی، هامان و ونگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴).

<sup>۱</sup>. Mastery of learning

<sup>۲</sup>. Bloom

<sup>۳</sup>. Task focused goals

<sup>۴</sup>. extrinsic

<sup>۵</sup>. Rayan, & Pentrich

<sup>۶</sup>. Lee, Hamman, & Wang





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این پژوهش‌ها و نمونه‌های دیگری از این قبیل، نشان می‌دهند که خانواده نیز می‌تواند به اندازه مدرسه و معلمان و شاید هم بیشتر از آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که انگیزه پیشرفت بالایی دارند، از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که گرایش‌های دموکراتیک دارد و دانش‌آموزانی که انگیزه پیشرفت کمتری دارند، کسانی بودند که از جانب پدرانشان مورد توجه و مراقبت شدید قرار گرفته بودند (مک لند<sup>۱</sup>، اتکینسون<sup>۲</sup>، کلارک<sup>۳</sup> و لاول<sup>۴</sup>، ۱۹۵۳).

اندیشه مشارکت مدرسه و خانواده و جامعه هم از جنبه نظری و هم عملی مهم است. نظریه سیستم‌های اجتماعی می‌گوید که مدرسه بخشی از یک نظام اجتماعی است متشکل از چند سیستم مرتبط با یکدیگر (علاقه بند، ۱۳۸۳). بنابراین، شناسایی هر سیستم (برای مثال خانه، کلاس درس، مدرسه، منطقه آموزش و پرورش، فرهنگ و جامعه) و چگونگی ارتباط آن با زیست محیط‌کلان دانش‌آموز در فرآیند یاددهی-یادگیری بسیار ضروری است. تداوم و تعمیق رابطه میان خانه و مدرسه و جامعه-در حکم مهمترین سیستم‌های موجود- به منزله افزایش شانس دانش‌آموزان برای یادگیری و موفقیت تحصیلی است. در مدرسه، فرهنگ یادگیری، توسعه را هدایت می‌کند. فرهنگ یادگیری<sup>۵</sup> عبارتست از پذیرش مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها که عمل به آنها زمینه مناسب را برای یادگیری فراهم آورده و مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. و باعث کارکرد تسهیل و روان سازی یادگیری می‌شود. فرهنگ یادگیری در مدرسه اثربخش با عشق به یادگیری مستمر در میان همه دست‌اندرکاران مدرسه تجلی می‌یابد، و حامی دانستن و پیشرفت علمی در درون مدرسه است و یاد گرفتن و عمل به یادگیری را تشویق می‌کند (ساک، ۱۳۸۸). گروهی از متخصصین تعلیم و تربیت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را به دو دسته کلی تقسیم بندی کرده‌اند: (۱) عوامل بیرونی (محیطی): عوامل محیطی تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی شامل موقعیت یادگیری، جو اجتماعی مدرسه، جو عاطفی کلاسی، تأثیر گروه همسالان، جو خانواده و نظایر اینها می‌باشند.

(۲) عوامل درونی (شخصی): عوامل شخصی تأثیرگذار بر پیشرفت شامل هوش، انگیزه‌ها، علاقه، انتظارات، اسنادهای مربوط به موفقیت و شکست، تیپ‌های شخصیتی، سبک‌های تفکر و غیره می‌باشد (سیف، ۱۳۸۸).

## عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی

علاوه بر دسته بندی فوق، در مورد عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی پژوهش‌های زیادی انجام شده است و در نتیجه عوامل زیادی شناسایی شده‌اند، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### الف) منبع کنترل

یکی از عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی، منبع کنترل می‌باشد. چیس<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) طی پژوهشی نشان داد هنگامی که کودکان ترغیب می‌شوند تا بر یادگیری خود کنترل بیشتری داشته باشند، سطح انگیزش و میزان یادگیری آنها افزایش می‌یابد و برانگیختگی کمتری از خود نشان می‌دهند. به علاوه، هورتاکسو<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی که روی دانش‌آموزان ترکیه‌ای انجام داد به این نتیجه رسید که معدل کلامی با منبع کنترل درونی ارتباط نیرومند و مثبت دارد. یعنی دانش‌آموزانی که دارای منبع کنترل درونی بودند از معدل کلاسی بالاتری نیز برخوردار بودند.

### ب) خودپنداره

۱. Maclelland

۲. Atkinson

۳. Clark

۴. Lowell

۵. Learning culture

۶. Chase

۷. Hortacsu



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی دیگر از عوامل مهم که نقش تعیین کننده‌ای در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند، خودپنداره می‌باشد. در همین رابطه احمد و بروینسمار<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) پژوهشی را انجام دادند که به این نتیجه دست یافتند که خودپنداره تحصیلی هم به طور مستقیم و هم با وساطت انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی رابطه مثبت و مستقیم دارد.

## ج) ویژگی‌های شخصیتی

آرتور<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) روابط بین الگوی پنج الگوی پنج عاملی شخصیت و عملکرد تحصیلی را با شیوه فراتحلیل بررسی کرد. نتایج این فراتحلیل نشان داد که عملکرد تحصیلی به طور معنی‌داری با سازگاری، وظیفه‌شناسی و باز بودن تجربه همبستگی مثبت دارد. البته سطوح تحصیلی (ابتدایی، متوسطه و دانشگاه)، سن متوسط شرکت‌کنندگان و تعاملات بین سطح تحصیلی و سن، همبستگی عوامل شخصیتی را با عملکرد تحصیلی تعدیل کردند.

## د) سبک اسنادی

تعدادی از محققان یک پژوهش طولی سه ساله بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام دادند. هدف پژوهش این بود که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با استفاده از متغیرهای توانایی شناختی، عزت نفس، امیدواری و سبک اسنادی پیش بینی کنند. نتایج نشان داد که امیدواری سبک اسنادی مثبت و توانایی، هم میزان نمره‌ها و هم ورود به پایه‌های بالاتر را پیش‌بینی می‌کنند. با این وجود، عزت نفس نسبت به متغیرهای دیگر، پیش‌بینی کننده ضعیف‌تری برای پایه‌های بالاتر بود (الیسون، سیاروچی و هیون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

## ۱۰- پژوهش‌های صورت گرفته در داخل و خارج کشور

✓ خلیلی آذر (۱۳۸۶) در مطالعه خود با عنوان مقایسه هوش هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی بیان داشت که بین هوش هیجانی دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و هوش هیجانی نیز با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در رابطه است.

✓ تمنایی فر و گندمی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان بیان کردند که بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. و میانگین نمرات انگیزش پیشرفت در دانشجویان دختر و پسر با هم تفاوت معنی‌داری وجود دارد به این صورت که انگیزه پیشرفت دختران بیشتر از پسران است.

✓ سیفی (۲۰۰۸). در پژوهش خود در زمینه رابطه بین انگیزش پیشرفت و عملکرد تحصیلی به این نتیجه دست یافت که بین این دو رابطه معنی‌داری وجود دارد و هرچه انگیزش فرد بیشتر باشد متعاقب آن عملکرد تحصیلی بهتری را دارا خواهد بود هرچند که خود این متغیرها تحت تأثیر عوامل دیگری همچون جنسیت، هوش و ... می‌باشند.

✓ چو (۲۰۱۰) در پژوهشی بیان داشت که میزان پیشرفت تحصیلی با هوش دانش‌آموزان در رابطه است به گونه‌ای که هر چه میزان هوش در دانش‌آموزان بیشتر باشد به نوبه خود می‌توان انتظار عملکرد تحصیلی بهتر و پیشرفت بیشتری را داشت. و میزان عملکرد تحصیلی در بین دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی بیشتر است.

۱. Ahmed, & Bruinsma

۲. Arthur

۳. Leeson, Cierrochi, & Heaven



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱۱-جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان مدارس تیزهوش و عادی شهر راسک بودند که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند.

## ۱۲-نمونه و روش نمونه‌گیری

به منظور انجام پژوهش حاضر تعداد ۱۲۰ نفر (۶۰ تیزهوش و ۶۰ عادی) بر اساس جدول کوهن (۱۳۸۶)، به نقل از سرمد و بازرگان، (۱۳۹۰) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این شیوه که ابتدا از بین مدارس تیزهوش و عادی شهر راسک ۴ مدرسه انتخاب سپس از هر مدرسه ۲ کلاس و از هر کلاس نیمی از اعضای آن کلاس انتخاب شدند. اعضای دو گروه از نظر ویژگی‌های سطح اقتصادی اجتماعی، سواد والدین، سن و ... با یکدیگر هم‌تا شدند.

## ۱۳-ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش

به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش و انجام پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شد.

### پرسشنامه انگیزه پیشرفت (AMQ)

یکی از رایج‌ترین آزمون‌های مداد کاغذی برای سنجش نیاز به پیشرفت آزمون انگیزه پیشرفت هرمنز است. هرمنز (۱۹۷۰) آن را بر مبنای دانش نظری و تجربی موجود در نیاز به پیشرفت و با بررسی بیشتر پژوهش‌های مربوط به آن تهیه کرده است. هرمنز ابتدا ۹۲ ماده را برای این آزمون انتخاب کرد که بر مبنای ده ویژگی که متمایز کننده افراد دارای انگیزه پیشرفت بالا از افراد با انگیزه پیشرفت پائین به شرح زیر تهیه گردید. ۱-بالا بودن سطح آرزو، ۲- انگیزه قوی برای تحرک به سوی بالا، ۳- مقاومت طولانی در مواجهه با تکالیف با سطح دشواری متوسط، ۴- تمایل به اعمال تلاش مجدد در انجام تکالیف نیمه تمام، ۵- ادراک پویایی از زمان، یعنی احساس اینکه امور سریع روی می‌دهند، ۶- آینده نگری، ۷- توجه به ملاک شایستگی و لیاقت در انتخاب دوست و همکار، ۸- بازشناسی از طریق عملکرد خوب در کار، ۹- انجام دادن کاری به نحو احسن، ۱۰- رفتار ریسک کردن پائین. این ده ویژگی را هرمنز بر مبنای پژوهش‌های قبلی به دست آورده بود و به عنوان اساس و راهنما برای انتخاب سئوالات برگزید. پس از اجرای آزمایش و تجزیه و تحلیل سئوالات و محاسبه همبستگی یک یک سئوالات با کل آزمون ۲۹ سئوال به عنوان پرسشنامه نهایی انگیزه پیشرفت انتخاب شد، لازم به ذکر است که پس از تحلیل سئوالات هیچ سئوال معنا داری در رابطه با ویژگی دهم در پرسشنامه نهائی وارد نشد، لذا پرسشنامه نهائی تنها بر اساس ۹ ویژگی ساخته شد. سئوالات پرسشنامه به صورت جمله ناتمام بیان شد و به دنبال هر جمله چند گزینه داده شده است، جهت یکسان سازی ارزش سئوالات برای هر ۲۹ سئوال پرسشنامه ۴ گزینه نوشته شد، این گزینه‌ها به حسب اینکه شدت انگیزه پیشرفت از زیاد به کم یا کم به زیاد باشد به آنها نمره ۱ تا ۴ داده می‌شود که دامنه تغییرات نمرات از ۲۹ تا ۱۰۷ است. نمره کل، اگر بالا باشد نشانگر انگیزه پیشرفت بالا و نمرات پائین، بیانگر انگیزه پیشرفت پائین در فرد می‌باشد. هرمنز (۱۹۷۰) پایایی فرم اصلی این آزمون را با روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۵ محاسبه کرد. همچنین ضریب روایی این پرسشنامه را با محاسبه همبستگی با رفتارهای پیشرفت گرا  $r=0/88$  محاسبه کرد. همچنین ضریب روایی این پرسشنامه را با محاسبه همبستگی با پرسشنامه اندریافت موضوع معنی دار گزارش کرد. برومندنسب (۱۳۸۱) در پژوهش خود، ضریب پایایی با استفاده از فرمول اسپیرمن- براون برای آزمودنی‌های دختر، پسر و کل آزمودنی‌ها ۰/۷۲، همچنین ضریب پایایی به روش گاتمن برای آزمودنی‌های دختر ۰/۷۱، برای آزمودنی‌های پسر و کل آزمودنی‌ها ۰/۷۰ به دست آورد. آلفای کرونباخ برای آزمودنی‌های دختر ۰/۸۰، برای آزمودنی‌های پسر ۰/۷۶ و برای کل آزمودنی‌ها ۰/۷۸ محاسبه شد. همچنین روایی این پرسشنامه با استفاده از محاسبه ضریب



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همبستگی این آزمون با پرسشنامه انگیزه پیشرفت گیزلی (۱۹۷۱) در سطح  $p < 0/05$  معنی دار گزارش کرد. برخوردی، رفاهی و فرخ بخش (۱۳۸۸) نیز پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ  $0/75$  گزارش کردند.

## عملکرد تحصیلی

در پژوهش حاضر جهت تعیین عملکرد تحصیلی دانش آموزان از معدل ترم جاری آنها استفاده خواهد شد.

## روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از روش‌های آماری زیر استفاده شده است:

۱- روش‌های آمار توصیفی مانند محاسبه میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره

۲- تی تست گروه‌های مستقل

۳- روش‌های آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضرایب پایایی

جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از نرم افزار کامپیوتری «SPSS» نسخه بیست استفاده شده است.

ضمناً برای کلیه فرضیه‌ها سطح معنی داری  $(=0/05)$  در نظر گرفته شده است.

جدول ۴-۱ توزیع اعضای نمونه را بر اساس پایه تحصیلی به تفکیک جنسیت به صورت فراوانی و درصد نشان می‌دهد.

جدول ۴-۱. فراوانی و درصد فراوانی شرکت کنندگان در پژوهش بر اساس پایه تحصیلی به تفکیک جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد	فراوانی تراکمی درصد
سال اول	پسر	۱۴	۲۷/۱۴
	دختر	۲۵	۲۷/۳۶
سال دوم	پسر	۳۹	۴۱/۵۸
	دختر	۱۷	۶۷/۸۶
سال سوم	پسر	۱۸	۶۷/۲۶
	دختر	۲۷	۱۰۰
		۱۲/۳۴	

جدول ۴-۱ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی به ترتیب متعلق به شرکت کنندگان پسر (۱۴ نفر) و دختر (۲۵ نفر) سال دوم و کمترین فراوانی مربوط به شرکت کنندگان پسر (۱۸ نفر) و دختر (۲۷ نفر) سال اول دبیرستان می‌باشد.

## ۱۴- یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌ها می‌باشد که برای انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی در جدول‌های ۴-۲ و ۴-۳ نشان داده شده است:

جدول ۴-۲. میانگین، انحراف معیار، بیشترین و کمترین نمره متغیرهای انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی

آماره متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
انگیزه پیشرفت	۵۱/۲۶	۶/۳۱	۲۰	۸۷
عملکرد تحصیلی	۱۵/۳۷	۳/۱۰	۱۲/۳۵	۱۹/۵۰

همان طوری که در جدول ۴ - ۲ مشاهده می‌شود در متغیر انگیزه پیشرفت، میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۵۱/۲۶ و ۶/۳۱ و در متغیر عملکرد تحصیلی، ۱۵/۳۷ و ۳/۱۰ می‌باشد.

## یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر، شامل فرضیه‌های زیر است که هر فرضیه همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در این بخش ارائه می‌گردد.

۱- بین انگیزه پیشرفت دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۴-۴. میانگین و انحراف معیار انگیزه پیشرفت شرکت کنندگان و نتایج آزمون t گروه‌های مستقل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی داری
انگیزه پیشرفت	دانش آموزان تیزهوش	۴۳/۵۹	۵/۹۳	۷/۹۱	۰/۰۰۱
	دانش آموزان عادی	۴۴/۱۳	۶/۶۹		

همانطور که در جدول ۴-۴ مشاهده می‌شود، میانگین انگیزه پیشرفت در دانش آموزان تیزهوش و عادی به ترتیب ۴۳/۵۹ و ۴۴/۱۳ به دست آمد که با توجه به مقدار  $t=7/91$  و  $df=138$  و سطح معنی داری  $P=0/001$ ، به این معنی است که بین دانش آموزان تیزهوش و عادی از نظر میزان انگیزه پیشرفت تفاوت معنی دار وجود دارد که این میزان در دانش آموزان تیزهوش بیشتر از دانش آموزان عادی است.

بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت وجود دارد.

جدول ۴-۶. میانگین و انحراف معیار عملکرد تحصیلی در شرکت کنندگان و نتایج آزمون t گروه‌های مستقل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی داری
عملکرد تحصیلی	دانش آموزان تیزهوش	۱۸/۸۰	۲/۹۱	۱۰/۸۸	۰/۰۰۱
	دانش آموزان عادی	۱۳/۱۴	۳/۲۹		

همانطور که در جدول ۴-۶ مشاهده می‌شود، میانگین عملکرد تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی به ترتیب ۱۸/۸۰ و ۱۳/۱۴ به دست آمد که با توجه به مقدار  $t=10/88$  و  $df=138$  و سطح معنی داری  $P=0/001$ ، به این معنی است که بین دختران و پسران از نظر میزان عملکرد تحصیلی تفاوت معنی داری وجود دارد که این میزان در دانش آموزان تیزهوش بیشتر از دانش آموزان عادی است.

## ۱۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک بود. در این بخش نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها و تبیین یافته‌های مربوط به آن ارائه می‌شود. در ابتدا به بیان فرضیات پژوهش و یافته‌های حاصل از آن پرداخته می‌شود.

**فرضیه اول:** بین انگیزه پیشرفت دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت معنی داری وجود دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده از فصل چهارم (جدول ۴-۴) فرضیه تفاوت بین انگیزه پیشرفت در دانش آموزان تیزهوش و عادی تأیید شد. بر اساس نتایج حاصل شده بین دانش آموزان تیزهوش و عادی از نظر انگیزه پیشرفت تفاوت وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های تمنایی فر و گندمی (۱۳۹۰)؛ سیفی (۲۰۰۸) و بیکر و تارمیزی (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان بیان داشت که بر اساس مطالعات گوناگون از عواملی که می‌تواند به عنوان زمینه‌ای مرتبط با انگیزه پیشرفت در نظر گرفته شود میزان هوش افراد است. به این معنی، زمانی که فرد توان هوشی خود را در حد انجام یک



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تکلیف می‌بیند عاملی می‌شود که بر میزان انگیزش او اثرگذار می‌شود هرچند که در این بین عواملی می‌توانند این میزان اثرگذاری را کاهش یا افزایش دهند. انگیزه پیشرفت عبارتست از میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران برای کسب موفقیت به سختی تلاش می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست، آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. به هر حال، این نیاز افراد را برای رسیدن به موفقیت در رقابت با معیار برتری، با انگیزه می‌کند (بابلج و سیمیک، ۲۰۱۱). اسلاوین (۲۰۰۶)، ترجمه سیدمحمدی، (۱۳۸۵) انگیزه پیشرفت را به عنوان میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌هایی که موفقیت در آن‌ها به کوشش و توانایی شخصی وابسته است، تعریف کرده است. وی معتقد است افراد دارای انگیزش پیشرفت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا و جدی هستند، در صورت شکست، دست از تلاش بر نمی‌دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش خود ادامه می‌دهند. در رابطه با این که انگیزه پیشرفت بالا به موفقیت می‌انجامد یا این که موفقیت موجب بالا رفتن سطح انگیزه پیشرفت می‌شود، پژوهش‌ها نتایج قاطعی را به دست ندادند. آن چه که مشخص شده این است که انگیزه پیشرفت در ابتدا تحت تأثیر تجربه‌های فرد در خانواده است. یعنی هر چه تجربه‌های موفقیت‌آمیز فرد در خانواده بیشتر باشد، انگیزش وی بالاتر است. پس از آن که فرد وارد مدرسه شد و تجارب بیشتری کسب نمود، در این شرایط موفقیت و انگیزش پیشرفت روی یکدیگر اثر می‌گذارند. به عبارت دیگر، افزایش موفقیت باعث افزایش انگیزش پیشرفت می‌شود که در مقابل، انگیزش پیشرفت بالا نیز باعث موفقیت بیشتر می‌شود (بابلج و سیمیک، ۲۰۱۱). به طور کلی می‌توان بیان داشت زمانی که فرد از سطح هوشی بالاتری برخوردار باشد فرد میزان توانمندی‌های خود را به نحو بهتری برای دستیابی به موفقیت‌ها و کامیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد. و همچنین این میزان هوش در فرد بر روی اعتماد به نفس و ایمان فرد به توانمندی‌های خویش اثرگذار خواهد بود و منجر می‌شود که فرد در راستای رسیدن به اهدافش هر چه بیشتر مصمم تر شود و انگیزش بیشتری در خود ایجاد نماید چرا که زمینه دستیابی به اهداف را در خود می‌بیند.

**فرضیه دوم: بین راسک و مولفه‌های آن در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت معنی‌داری وجود دارد.**

بر اساس نتایج بدست آمده از فصل چهارم (جدول ۴-۵) فرضیه تفاوت بین راسک و مولفه‌های آن در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تأیید شد. بر اساس نتایج حاصل شده بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از نظر راسک و مولفه‌های آن تفاوت وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیرخانی و همکاران (۱۳۸۶) و بیکر و تارمیزی (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین نتایج حاضر می‌توان بیان داشت که راسک از جمله موضوعاتی است که تحت تأثیر میزان هوش افراد قرار می‌گیرد. در همین راستا پیرخانی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان مقایسه راسک و هوش دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی بیان داشتند که بین میانگین راسک و هوش دانشجویان رشته‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و همچنین میزان راسک با میزان هوش افراد در رابطه است به گونه‌ای که پیشرفت تحصیلی و ظهور استعداد و راسک دانش‌آموزان بدون وجود فاکتور میزانی از هوش در آنان میسر نیست.

نکته دیگر اینکه راسک توانایی تولید ایده‌های اصلی و سازگارانه است. لذا تولید این ایده‌ها نیازمند سطحی از توانش‌های هوشی است. چرا که فرد برای نشان دادن و ارائه ایده‌های نوین و جدید نمی‌تواند بی‌نیاز از توانش‌های شناختی خود عمل کند.

**فرضیه سوم: بین عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهر راسک تفاوت وجود دارد.**

بر اساس نتایج بدست آمده از فصل چهارم (جدول ۴-۶) فرضیه تفاوت بین عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تأیید شد. بر اساس نتایج حاصل شده بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از نظر عملکرد تحصیلی تفاوت وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های تمنایی فر و گندمی (۱۳۹۰)؛ سیفی (۲۰۰۸) و چو (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین نتایج حاضر می‌توان بیان داشت که بر اساس مطالعات گوناگون عوامل مختلفی بر عملکرد تحصیلی افراد تأثیر می‌گذارند که



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

متخصصان تعلیم و تربیت آنها را به چهار دسته شامل عوامل فردی، عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی تقسیم کرده‌اند (زهراکار، ۱۳۸۶). که در بین عوامل فردی، یکی از عوامل تاثیرگذار بر عملکرد تحصیلی افراد، هوش و توانایی ذهنی اوست. هرچه میزان هوش افراد بالاتر باشد به نوبه خود عملکرد تحصیلی بهتری را به دنبال خواهد داشت. همچنین بر اساس مطالعات انگیزه پیشرفت که آن را به صورت میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص تعریف کرده‌اند در دانش آموزان تیزهوش نسبت به دانش آموزان با هوش متوسط در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

## محدودیت‌های پژوهش

- ۱- برخی از دانش آموزان به شکل خاص به سؤالات پرسشنامه‌ها پاسخ می‌دادند مثلاً پاسخ دادن به گزینه خنثی و یا میانی توسط برخی از دانش آموزان.
- ۲- نظر به این که این پژوهش بر روی دانش آموزان دبیرستانی شهر راسک صورت گرفته، لذا در تعمیم نتایج به دانش آموزان دیگر استان‌ها و دیگر مقاطع بایستی جانب احتیاط را رعایت نمود.
- ۳- با توجه به این نکته که ابزار مورد استفاده جهت جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است و پرسشنامه جنبه خود گزارش‌دهی دارد و شرکت کنندگان با تمایل خود به آن پاسخ می‌دهند و ممکن است در پاسخ‌هایشان حالت سوگیری وجود داشته باشد
- ۴- از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به طرح پژوهش که از نوع مطالعات توصیفی (علی مقایسه‌ای) بود اشاره داشت چرا که با توجه به موضوع و طرح پژوهش، و این مساله که ممکن است یافته‌ها تحت تأثیر عوامل مداخله کننده در پژوهش (سطح اقتصادی اجتماعی، سطح سواد والدین و...) باشد، لذا تعمیم نتایج بایستی با احتیاط صورت گیرد.

## پیشنهادات نظری

- ۱- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های دیگر در کنار شیوه خودارزشیابی انگیزه پیشرفت و عملکرد همچون مصاحبه و اخذ نظر سایر افراد همچون نزدیکان فرد (والدین) استفاده شود و نتایج این روش‌ها با هم مقایسه گردند.
- ۲- پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران در پژوهش‌های آتی نقش برخی متغیرهای دخیل در پژوهش همچون وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سطح سواد والدین را نیز مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان درک درستی از مساله به دست داد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود موضوع پژوهش حاضر در جوامع دیگر (سایر استان‌های سراسر کشور) مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان قابلیت تعمیم‌پذیری بهتری از نتایج را به دست آورد و همچنین بتوان نتایج حاصل از تحقیقات مختلف در جوامع گوناگون را با یکدیگر مقایسه نمود.
- ۴- انجام تحقیقاتی که در آن تفاوت‌های دانش آموزان دختر و پسر و همچنین دانشجوین دختر و پسر را با توجه به وضعیت میزان هوشی از نظر متغیرهای پژوهش حاضر مقایسه گردند، پیشنهاد می‌گردد.

## پیشنهادات کاربردی

- ۱- به والدین و معلمان که افراد مهم در زندگی دانش آموز هستند، پیشنهاد می‌شود که تفاوت‌های فردی دانش آموزان را مدنظر قرار دهند و شرایط لازم را برای ایجاد انگیزش درونی را که موجب می‌شود دانش آموزان خود به تقلا و کوشش بپردازند، در او ایجاد کنند.
- ۲- پیشنهاد می‌شود نقش انگیزش پیشرفت از سوی والدین و مدارس و متخصصان حوزه آموزش و پرورش، مورد توجه قرار گیرد و در جهت افزایش آن به عنوان یکی از عواملی که موجب پویای جامعه می‌گردد، دقت نظر داشته باشند



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳- پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های لازم جهت آگاهی بخشی به والدین از سوی مدارس جهت تقویت توانش‌های شناختی به عنوان زمینه ساز و بسترساز توانمندی‌های خلاقانه در فرزندان آنها صورت گیرد.

## ۱۶- منابع فارسی

استادی، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه راسک، انگیزه تحصیلی و مهارت‌های شناختی با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر سال اول متوسطه شهرستان داراب. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه شهید چمران اهواز.  
برات وند، محمد (۱۳۹۶). بررسی رابطه ساده و چندمتغیری مقبولیت گروهی و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی و سازگاری فردی و اجتماعی بین دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهرستان اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.  
تمنایی فر، محمدرضا و گندمی، زینب (۱۳۹۷). رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان. فصلنامه راهبردهای آموزش. ۱۵-۲۹: (۱)۴.

زهراکار، کیانوش (۱۳۹۶). بررسی رابطه مولفه‌های هوش هیجانی و عملکرد تحصیلی. روانشناسی کاربردی، ۲(۵): ۸۹-۹۸.  
خلیلی آذر، هایده (۱۳۹۶). مقایسه هوش هیجانی دانش آموزان تیزهوش و عادی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. دانش و پژوهش در علوم تربیتی. ۱۴(۲): ۱۲۴-۱۲۷.

سیف، علی اکبر (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش). ویرایش پنجم، تهران: انتشارات آگاه.

## منابع خارجی

Freund, P. A., &Holling, H. (۲۰۱۸). Who wants to take an intelligence test? Personality and achievement motivation in the context of ability testing. *Journal of Personality and Individual Differences*, ۵۰, ۷۲۳-۷۲۸.  
Job, V., & Brandstätter, V. (۲۰۱۴). Get a taste of your goals: Promoting motive-goal congruence through affect-focus goal fantasy. *Journal of Personality*, ۷۷(۵), ۱۵۲۷-۱۵۶۰.  
Mommersteeg, M. C., Denollet, J., Kavelaars, A., Vermetten, E., &Heijnen, C. (۲۰۱۶). Type D Personality, Temperament, and Mental Health in Military Personnel Awaiting Deployment. *International Journal of Behavior and Medicine*. ۱۸, ۱۳۱-۱۳۸.  
Pang, J. S. (۲۰۱۵). The achievement motive: A review of theory and assessment of Achievement, hope of success, and fear of failure. In O. C. Schultheiss & J. C. Brunstein (Eds.), *Implicit motives* (pp. ۳۰-۷۰). New York, NY: Oxford University Press.  
Rheinberg, F., &Engeser, S. (۲۰۱۴). Motive training and motivational competence. In O. C. S chultheiss & J. C. Brunstein (Eds.), *Implicit motives* (pp. ۵۱۰-۵۴۸). New York, NY: Oxford University Press.  
Seife A. (۲۰۱۸). *The psychology culture*. Tehran: Psychology Ventilation and Instruction Publication.  
Simonton, D. K. (۲۰۱۳). Creativity. In R, Fernandez-Ballesteros (Ed), *Encyclopedia of Psychological Assessment*, vol ۱ (PP- ۲۷-۲۸۰). Thousand Oaks Ca: Sage publication.